

[ادامه جهت ششم 2](#_Toc535223512)

[صورت دوم 2](#_Toc535223513)

[صورت سوم 2](#_Toc535223514)

[صورت چهارم 2](#_Toc535223515)

[صورت پنجم 2](#_Toc535223516)

[اختلاف تباینی 3](#_Toc535223517)

[دلیل عدم جریان 3](#_Toc535223518)

[اختلاف غیر تباینی 4](#_Toc535223519)

[دلیل مخالفان جریان 4](#_Toc535223520)

[دلیل موافقان جریان 4](#_Toc535223521)

[اشکال مرحوم امام 4](#_Toc535223522)

[تخلص 5](#_Toc535223523)

[جهت هفتم: بررسی لزوم تفصیل بین شروط برای جریان اصاله الصحه در آن ها 5](#_Toc535223524)

[خلاصه جلسه 5](#_Toc535223525)

**موضوع**: ادامه جهت ششم، مسئله‌دان بودن فاعل /اصاله الصحه /تنبیهات استصحاب، تعارض با سایر اصول

**خلاصه مباحث گذشته:**

عرض شد که علم حامل درباره مسئله‌دان بودن فاعل، صور پنجگانه ای دارد(سه صورت اصلی که صورت سوم خود به سه صورت تقسیم می شد). عرض کردیم که در صورتی که حامل علم به جهل فاعل به مسئله داشته باشد مرحوم خوئی قائل به عدم جریان شد و از کلام مرحوم شیخ می توان استفاده کرد که ایشان قائل به جریان در فرض مذکور است چون هرچند فرمودند درجريان اصالة الصحة در اين فرض بلحاظ ادله آن اشکال است اما قبول دارند که بناء اصحاب براجراء اصالة الصحة در اين موارد است. مرحوم خوئی دو دلیل اقامه کردند، سیره و اخذ به ظاهر. مرحوم تبریزی به دومی اشکال کردند. در مورد دلیل اول هم مرحوم همدانی اشکال کردند که سیره در فرض مذکور قطعا جاری است.[[1]](#footnote-1)

# ادامه جهت ششم

## صورت دوم

اما اگر حامل، تردید در مسئله دان بودن عامل دارد، مشهور قائل به جریان اصاله الصحه شدند، ولی مرحوم شیخ نظر به عدم جریان دارد؛ زیرا از طرفی ادله این مورد را نمی گیرد و از طرفی سیره اصحاب بر حمل بر صحت است.[[2]](#footnote-2)

مرحوم امام فرموده است که غالب موارد شک در صحت در بین مردم از همین قبیل است. لذا وجود سیره در این حالت مسلّم است.[[3]](#footnote-3)

## صورت سوم

 در این صورت که حامل، علم به عالم بودن عامل به مسئله دارد، لکن می داند که علم او و فاعل، موافق هم است(اجتهادا یا تقلیدا)؛ گفته شده است که قطعا اصاله الصحه جاری است و متیقن از این اصل همین صورت است.

## صورت چهارم

حامل علم به عالم بودن فاعل به مسئله دارد، لکن تردید در موافقت نظر خودش با نظر فاعل دارد(اجتهادا یا تقلیدا)؛ اصاله الصحه مسلّما جاری است.

مرحوم شیخ فرموده است که هم ادله این مورد را شامل می شود و هم بناء اصحاب قطعا در این حالت بر حمل بر صحت بوده است. حتی ایشان مدعی شده است که در این حالت در اعتقاد فاعل هم می توانیم اصاله الصحه را جاری کنیم.[[4]](#footnote-4) اما این کلام مرحوم شیخ محل اشکال واقع شده است.

## صورت پنجم

حامل علم به عالم بودن فاعل دارد ولی علم به مخالفت رأی او با نظر خودش نیز دارد؛اين صورت دوقسم دارد

### قسم اول: اختلاف تباینی

مثال واقعی: اختلاف در قصر و تمام،[[5]](#footnote-5) گویا در مورد عدم جریان اصاله الصحه در موارد اختلاف تباینی، اتفاق نظر وجود دارد. حتی مرحوم شیخ[[6]](#footnote-6) و محقق همدانی[[7]](#footnote-7) نیز قائل به عدم جریانند.

#### دلیل عدم جریان

سیره عقلاء (که دلیل اصاله الصحه است) در این مورد وجود ندارد یا احراز نشده است.

**شاهد**

در بعضی از کلمات مثل کلمات مرحوم امام[[8]](#footnote-8) و مرحوم تبریزی[[9]](#footnote-9) شاهدی بر عدم وجود سیره عقلاء در این جا بیان شده است، به این بیان که وجود سیره در این جا به معنای وجود سیره بر حمل فعل دیگری بر غفلت است؛ (زیرا با توجه به اختلاف رای حامل و عامل، حمل بر صحتی که حامل انجام می دهد به معنای این است که عامل طبق نظر خود عمل نکرده است و این جز در صورت غفلت اتفاق نمی افتد.) قطعا سیره این حمل بر صحت را تایید نمی کند.

مثلا صحیح عند الحامل(که ماموم است) نماز با تیمم است ولی امام جماعت نظر به صحت نماز با غسل جبیره ای دارد. ماموم اگر بخواهد حمل بر صحت کند باید بگوید با این که نظر امام جماعت بر صحت نماز با غسل جبيره بوده ولی ان شاء الله غافل شده و تیمم کرده است.

### اختلاف غیر تباینی

اما اگر اختلاف بین عامل و حامل تباینی نباشد بلکه عموم و خصوص مطلق باشد؛ مثلا مأموم امری را شرط می داند ولی امام قائل به اشتراط آن نیست و در عین حال آن را مانع و مخلّ نماز نمی داند؛ در چنین مواردی ممکن است فاعل از باب احتیاط یا اتیان امر استحبابی آن مورد اختلاف را اتیان کند.

مرحوم خوئی[[10]](#footnote-10)و مرحوم امام[[11]](#footnote-11) و مرحوم شیخ[[12]](#footnote-12) اشکال کردند که آیا اصاله الصحه در این مورد جاری است یا خیر؟ از طرفی اصحاب به صورت عام حکم به تقدیم قول مدعی صحت کرده‌اند و از طرفی ادله اصاله الصحه قاصر از شمول این مورد است. مرحوم شیخ فرمود که «فیه اشکال» ، ولی مرحوم امام و مرحوم خوئی قائل به عدم جریان اصاله الصحه در این قسم شدند.

#### دلیل مخالفان جریان

عدم احراز بناء عقلاء.

#### دلیل موافقان جریان

در مقابل عده ای قائل به جریان شدند. محققان، همدانی، عراقی[[13]](#footnote-13)، اصفهانی و تبریزی[[14]](#footnote-14) قائل به جریان اصاله الصحه حتی در این قسم شدند. دلیلشان این است که سیره عقلاء در این حالت هم وجود دارد چون بملاحظه نکته سيره عقلا که تسهيل امربرحاملين وعدم لزوم تفتيش ازعمل ديگران وواگذار کردن کارآنها به خودشان است بين اين قسم وصورسابقه که اصالة الصحة در آنها جاری بود فرقی نيست.

##### اشکال مرحوم امام

در کلام مرحوم امام آمده است که چون ما از طریق برهان اختلال نظام پیش آمدیم و این مورد نسبت به سایر موارد ابتلا فرض نادری حساب می شود اگر اصاله الصحه را این جا کنار بگذاریم اختلال نظامی رخ نمی دهد.[[15]](#footnote-15)

###### تخلص

اگر دلیل ما بر اصاله الصحه منحصر به برهان اختلال نظم باشد اشکال مرحوم امام وارد است، لکن سیره عقلائیه دلیل مستقلی در کنار اختلال نظام است، لذا بدون اختلال و با وجود سیره باز هم اصاله الصحه جاری است.

# جهت هفتم: بررسی لزوم تفصیل بین شروط معاملات برای جریان اصاله الصحه در آن ها

در جهت هفتم درباره این بحث می کنیم که آیا اصاله الصحه به لحاظ جمیع شروط موجب حکم به صحت می شود یا این که صرفا نسبت به بعضی از شروط جاری است؟

شروط عقد مختلفند، بعضی از آن ها شروط عقلائی معامله اند به گونه ای که اگر موجود نباشند، نزد عقلاء اثری بر معامله بار نیست؛ مثل مالیت داشتن مبیع. بعضی از شروط، شروط شرعیه است. از جهتی دیگر، بعضی از این شروط به متعاقدین بعضی به عوضین و بعضی به خود عقد بر می گردند، مثل عربیت، ماضویت و غیره.

آیا در همه این موارد اصاله الصحه جاری است یا این که باید تفصیل داد؟

# خلاصه جلسه

در جهت ششم در تمام صور پنج گانه اصاله الصحه جاری است. فقط در صورت علم حامل به عالم بودن فاعل و علم به اختلاف تباینی نظرشان، اصاله الصحه جاری نیست، به دلیل عدم وجود سیره. اما اگر در همین صورت، اختلاف تباینی نباشد بین علماء اختلاف شده است. برخی قائل به جریان اصاله الصحه به دلیل احراز وجود سیره در این حالتند و برخی عدم جریان را قائلند به دلیل عدم احراز سیره.[[16]](#footnote-16)

1. [حاشیه فرائد الاصول، آقا رضا همدانی، ج1، ص470.](http://lib.eshia.ir/86729/1/470/%D8%A7%D9%84%D8%B3%DB%8C%D8%B1%D9%87) [↑](#footnote-ref-1)
2. [فرائد الاصول، شیخ مرتضی انصاری، ج3، ص356.](http://lib.eshia.ir/13056/3/356/%DA%A9%D8%B0%D8%A7) [↑](#footnote-ref-2)
3. [الاستصحاب، السید روح الله الموسوی الخمینی، ج1، ص363.](http://lib.eshia.ir/86437/1/363/%D8%A7%D9%84%D9%82%D8%A8%DB%8C%D9%84) [↑](#footnote-ref-3)
4. [فرائد الاصول، شیخ مرتضی انصاری، ج3، ص356.](http://lib.eshia.ir/13056/3/356/%DB%8C%D9%85%DA%A9%D9%86) [↑](#footnote-ref-4)
5. **استاد**: مثال های دیگری هم زده شده است مثل این که یکی قائل به جهر در قرائت و دیگری قائل به اخفات باشد. لکن این مثال واقعی برای این صورت نیست؛ زیرا در مورد جهر و اخفات نماز، در روایات آمده است که حتی اگر کسی حتی از روی جهل تقصیری در موضع جهر، اخفات کند یا بالعکس، نمازش صحیح است. پس مختلف بودن رای در این جا موجب تفاوت در حکم به صحت نمی شود. اختلاف در تیمم و وضو جبیره ای در بعضی از فروع کسر عضو یا جرح نیز مثال حقیقی نیست؛ زیرا جای احتیاط است و می‌توان با جمع بین دو عمل، احتیاط کرد. باید موردی را فرض کنیم که عمل واحدی از شخص صادر شده است و جمع صورت نگرفته است. [↑](#footnote-ref-5)
6. [فرائد الاصول، شیخ مرتضی انصاری، ج3، ص355.](http://lib.eshia.ir/13056/3/355/%DB%8C%D8%AA%D8%B5%D8%A7%D8%AF%D9%82) [↑](#footnote-ref-6)
7. [حاشیه فرائد الاصول، آقا رضا همدانی، ج1، ص470.](http://lib.eshia.ir/86729/1/470/%D8%A8%D9%85%D8%AE%D8%A7%D9%84%D9%81%D9%87) [↑](#footnote-ref-7)
8. [الاستصحاب، السید روح الله الموسوی الخمینی، ج1، ص363.](http://lib.eshia.ir/86437/1/363/%D9%85%D8%B3%D8%A7%D9%88%D9%82) [↑](#footnote-ref-8)
9. [دروس فی مسائل علم الاصول، جواد تبریزی، ج6، ص56.](http://lib.eshia.ir/86749/6/56/%D8%AF%DB%8C%D8%AF%D9%86) [↑](#footnote-ref-9)
10. [مصباح الاصول، السید أبوالقاسم الخوئی، ج3، ص326.](http://lib.eshia.ir/13046/3/326/%D9%84%D9%84%D9%85%D9%86%D8%A7%D9%82%D8%B4%D9%87) [↑](#footnote-ref-10)
11. [الاستصحاب، السید روح الله الموسوی الخمینی، ج1، ص364.](http://lib.eshia.ir/86437/1/364/%D8%A7%D9%84%D8%B9%D9%82%D9%84%D8%A7%D8%A1) [↑](#footnote-ref-11)
12. [فرائد الاصول، شیخ مرتضی انصاری، ج3، ص356.](http://lib.eshia.ir/13056/3/356/%D8%AA%D8%B9%D9%85%DB%8C%D9%85) [↑](#footnote-ref-12)
13. [نهایة الافکار، آقا ضیاء الدین العراقی، ج4، ص80.](http://lib.eshia.ir/13053/4/80/%D8%A7%D9%84%D8%B9%D9%85%D9%88%D9%85) [↑](#footnote-ref-13)
14. [دروس فی مسائل علم الاصول، جواد تبریزی، ج6، ص56.](http://lib.eshia.ir/86749/6/56/%D8%A7%D9%84%D8%B3%DB%8C%D8%B1%D9%87) [↑](#footnote-ref-14)
15. [الاستصحاب، السید روح الله الموسوی الخمینی، ج1، ص364.](http://lib.eshia.ir/86437/1/364/%D8%A7%D8%AE%D8%AA%D9%84%D8%A7%D9%84) [↑](#footnote-ref-15)
16. خلاصه از مقرر است. [↑](#footnote-ref-16)